

گذری بر

اسرار تولد حضرت فاطمه زهرا

دکتر نهلہ غروی نایینی / ابوالفضل چتری بیدگلی

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس / کارشناس ارشد دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

در این نوشتار سعی شده به اسرار و رازهای تولد بانوی دو عالم، حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام}، از دریچه روایات معصومان^{علیهم السلام} نگاه شود. این مقاله مشتمل بر دو بخش می‌باشد. بخش اول: اسرار قبل از تولد تا زمان تولد (شامل ۷ نکته) و بخش دوم: اسرار، کیفیت و نکات مربوط به حین تولد (شامل ۹ نکته). بنا بر اهمیت و نقش «درخت طوبی» در زمان تولد و ازدواج حضرت فاطمه^{علیها السلام}، توضیح مختصری در مورد این درخت و ارتباط آن با صدیقه طاهره در پایان بخش اول آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: عصاره، حضرت زهرا، بهشت، درخت طوبی.

مقدمه

فاطمه زهرا^{علیها السلام} همچون ليلة القدر، حضوری مستمر، کارآمد و تأثیرگذار در همه عرصه‌های هستی دارد و ظرف وجودش ظرف تحقق اراده و مشیت الهی و افاضه فیض ربوی است. او اگرچه به مثابه «قدر»، قدرش ناشناخته مانده است و باید تأویل حقیقت و کنه وجودش را در قیامت مشاهده کرد، اما به مقدار ممکن و میسور، باید به سراغ این انسان کامل، مکمل و هادی و اسوه ابدی رفت و به او قرب وجودی یافت. فاطمه^{علیها السلام} خود قرآن مجسم و وحی معین و از مفسران و تأویل‌شناسان و راسخان در علم است که مصدق «اولو‌العلم»، «اولو‌الالباب»، «اولو‌العلم»، «اولو‌الایدی و الابصار»، «اهل تفکر و تذکر»، برهان و عرفان یا عقل و عشق است.

اشرف انبیا، پیامبر خاتم^{علیهم السلام}، در هنگام وداعش با سرای خاکی و فانی، نسخه‌ای جاودانه، یعنی قرآن و اهل‌بیت خویش را، برای تمام دردهای انسانیت، به جای نهاد و با تمام وجود فرمود: «أَنِّي تاركٌ فِي كُمِّ الثَّقْلَيْنِ» تا هرگونه شک و تردید را از اذهان بشریت پاک کند و به ما بگوید که هر نوع تمسکی به غیر این دو مصدق، پناه‌بردن به «أَوْهَنُ الْبَيْوَتِ» (عنکبوت: ۴۱) است و نتیجه‌ای جز سقوط در «جُرْفِ هَارِ» (پرتگاهی سست و نرم) (توبه: ۱۰۹) در پی نخواهد داشت.

عصارة پیشست

با توجه به اصطلاح معروف «اهل‌البیت آدری بِمَا فِي الْبَيْتِ»، برای پی‌بردن به راز و رمزهای این خاندان، راهی جز پناه بردن به کلام خود ایشان نیست و بقیه سخنان و جملات، یار شدن با ظن خویش است، و ره بردن به راز لیله قدر و سر مستودع، تقوای بیرونی می‌طلبد و امداد الهی و برای پای چوبین تقوای ما، کاری است بس سخت و طاقت‌فرسا.

قلمزدن در مورد «آمَةُ الله» (کنیز خداوند / بندۀ ویژه) (ابن شاذان قمی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۷)، اذن الهی می‌طلبد و جرئتی اسداللهی، و خلق را یارای ادراک مقام علمی و عملی فاطمه زهرا ع نیست و معرفت به کنه شخصیت فاطمه زهرا ع میسوز احدي نیست؛ که آن انسان کامل را باید انسان کامل بشناسد و بشناساند. از این‌رو، برای پی‌بردن به اسرار عصاره هستی، از کلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اهل‌بیت آن حضرت کمک می‌گیریم.

در بررسی ابعاد شخصیت «حضرت فاطمه، ولیدۃ الاسلام» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۰۷)، موضوع تولد ایشان یکی از جنبه‌های رازگونه و پیچیده‌ای است که دارای برنامه‌ریزی طولانی بوده است.

همان‌گونه که زندگی کوتاه دنیوی آن بانو هنوز سرشار از ناگفته‌های زیاد است و نامعلوم بودن مدفن شریف او سال‌هاست دل عاشقان را داغدار ساخته، و قدرش همچون قبرش ناشناخته مانده، تولد او نیز سرّ غامض و سر به مُهری است که فقط نکاتی از آن از طریق سخنان فرزندان بزرگوارش به ما رسیده و برای شنیدن همین نکات هم، ظرف ذهن ما، بسی کوچک و کم حجم است.

در این مقاله بر آنیم که اندکی به فضای پُر از عطر یاس تولد شفیعه روز جزا، انسیه حوراء، قدمی بگذاریم، به آنها نگاهی بیندازیم، چشم‌هایمان را بر هم نهیم و بار دیگر از اعماق وجود فریاد بزنیم: اللہم صَلِّ علی فاطمة و آبیها و بعلها و بنیها و السّر المُستودع فيها.

در مسیر رشد انسان، عوامل مهمی اثرگذارند. مجموع این عوامل باعث می‌شوند فردی در مسیر تکامل قرار گیرد. هرچه این عوامل، از مایه‌های قوی‌تری برخوردار باشند، فرد در ابعاد مادی و معنوی تکامل بیشتری می‌یابد. عوامل وراثتی پدر و مادر، شرایط انعقاد نطفه و تولد، خانواده و تربیت فرد و سرانجام ازدواج، از مهم‌ترین اینهاست.

در بررسی شخصیت افراد برتر، تحلیل عوامل مزبور موجب می‌گردد به جوانب درونی آنها راهی پیدا کنیم. با درنظر گرفتن این نکته، هر چه این افراد در سطح بالاتری قرار گرفته باشند، این عوامل با اهمیت‌تر و پیچیده‌تر می‌گردد و وقتی مسئله مربوط به «دعائی‌الدین» (شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۹۱)؛ بزرگان دین و پایه‌ها و ستون‌های اصلی اسلام می‌رسد – که مبحث عصمت برای آنها طرح می‌شود – موضوع حساسیت فوق العاده‌تری می‌یابد و نیاز به سندهای محکمی دارد.

در مسیر برنامه‌ریزی شده الهی برای تولد حضرت فاطمه علیها السلام، دو بخش قابل بررسی است:

بخش اول: اسرار پیش از تولد تا زمان تولد؛

بخش دوم: اسرار، کیفیت و نکات مربوط به هنگام تولد.

بر اساس حکمت الهی، تولد دختری که تکمیل‌کننده موضوع نبوت و پایه‌گذار مسئله امامت است و به القاب «ام ابیها» و «امومه الائمه» (همان) مُزین شده، نیازمند مقدماتی است که در صورت فراهم نشدن مُقدمات، کار به سرانجام نمی‌رسد و به هدف نایل نمی‌شود.

درباره اینکه خلقت نوری پنج تن آل عبا قبل از آفرینش حضرت آدم علیهم السلام صورت گرفته، احادیث فراوانی آمده است (شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۰۶ / جزایری، ۱۴۰۴، ص ۳۹) و همچنین در موضوع خطاب خداوند به پیامبر علیهم السلام و علی علیهم السلام با عبارت «لولا فاطمة لَمَا خَلَقْتُكُمَا» (شریف کاشانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳ / نمازی، ج ۱۴۱۹، ص ۸ / ۲۴۳) نیز مسئله جزئی‌تر می‌شود.

در زیارتی، که به نوعی شرح «شجرة النبوة» است این گونه آمده: «فَهُمْ شَجَرَةُ أَصْلُهَا النَّبِيُّ، فَرْعُهَا الْوَصِيُّ وَ لِقَاحُهَا النُّورُ الْفَاطِمِيُّ» (عاملی کفعمی، ۱۴۰۵، ص ۷۳۷)؛ آنها (خاندان پیامبر) درختی هستند که پیامبر علیهم السلام تنۀ آن و حضرت علی علیهم السلام شاخه آن و نور وجود حضرت فاطمه، بارور‌کننده درخت نبوت است.

اما در زمینه مقدمات تولد فاطمه ع در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اختصاصاً مواردی وجود دارد که بسیار قابل تأمل است.

حضرت فاطمه از نسل فردی است که خداوند درباره او فرموده است: «خلقت الاشیاء لاجلک و خلقتک لاجلی» (موسوی سبزواری، ج ۸، ص ۱۰۰ / آملی، ج ۱۴۲۲ق، ص ۵۴۸)؛ همه چیزها را برای تو، و تو را برای خودم آفریدم. در این بیان نورانی عظمت وجودی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تصویر کشیده شده است، هرچند عقول ما از درک کُنه آن ناتوان و عاجز است.

پیامبری که از حیث جسمی و نژادی نیز، به برترین قبیله و تیره اعراب منتسب است و به «نبی قُرشی» (بحرانی، ج ۱۴۱۶ق، ص ۳۸۵) معروف است، وجود نازنین فاطمه ع را «بضعة» (پاره گوشت) خود می‌داند. (شیخ صدوق، ج ۳، ص ۱۰۲ / شیخ طوسی، ج ۲۳، ص ۴۳ / مجلسی، ج ۱۴۰۴ق، ص ۷۰ / طبری، ج ۱۳۸۳ق، ص ۱۴۱۴ق، ح ۱۷)

۱. اسرار قبل از تولد تا زمان تولد

این موضوعات و نکات، مواردی است که در احادیث بیان شده است و هدف ما در این گفتار، بحث سندی احادیث نیست؛ چراکه پرداختن به آن مجالی گسترده‌تر و فرصت دیگری می‌طلبید. غالباً این موارد که در احادیث با مضامین مشترک بیان شده، مورد اعتماد و وثوق علمای شیعه قرار گرفته است. محور کار، حدیثی است که علامه مجلسی آن را با سند مُفضل بن عمر جعفی از قول امام صادق ع بیان کرده است.

۱-۱. بشارت خداوند به وجود حضرت فاطمه ع در معراج

پیش از تولد حضرت فاطمه ع، خداوند در معراج بشارت تولد ایشان را به نبی خاتم داده و فرموده بود: «يَا مُحَمَّدًا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَشِّرُكَ بِفَاطِمَةَ مِنْ خَدِيجَةَ بِنْتِ

خُوَيْلِدٍ...»؛ ای پیامبر! خداوند [ولادت] فاطمه را از خدیجه دختر خویلد به تو بشارت می‌دهد. (فرات کوفی، ص ۲۱۱ / مجلسی، ج ۱۴۰، ق ۱۴۱۰، ص ۲۱۱ / مجلسی، ج ۸، ص ۱۵۱)

بشارت پیامبر ﷺ به وجود مقدس حضرت فاطمه ؑ، آن هم در معراج، خود به تنها ی گویای اهمیت موضوع تولد ایشان است و می‌توان به جرئت گفت: این مسئله، یکی از مسائل حیاتی دنیای اسلام و مسلمانان می‌باشد که می‌بایست از طرف خداوند در آن موقعیت به پیامبر ﷺ نوید داده شود. نکته دیگر در این حدیث این است که خداوند نام مبارک «فاطمه» را نیز پیش از ولادت برای او تعیین کرده است. در مورد نام «فاطمه» وجه تسمیه‌های مختلفی بیان شده؛ از جمله رسول خدا ﷺ فرمود: «لَأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَ شَيْعَتُهَا وَ ذُرْيَتُهَا مِنَ النَّارِ» (طبری، ص ۱۳۸۳ / ۶۰ و ص ۱۴۹ / اربلی، ۱۳۸۱ / ج ۱، ص ۴۶۴)؛ زیرا او، شیعیان و ذرییه‌اش را از آتش باز داشته و بر کنار شده‌اند.

۱-۲. دوری گزیدن پیامبر ﷺ از خدیجه ؑ

خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که باید چهل شبانه‌روز از خدیجه ؑ دوری گزیند. در بخشی از حدیث آمده است: «النَّبِيُّ ﷺ جَالِسٌ بِالْأَبْطَحِ وَ مَعَهُ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ الْمُنْذِرُ بْنُ الضَّحَّاصَاجِ وَ أَبُو بَكْرَ وَ عُمَرَ وَ عَلَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرِيلٌ فِي صُورَتِهِ الْعَظِيمِ قَدْ نَشَرَ أَجْنَاحَتِهِ حَتَّى أَخَذَتْ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَنَادَاهُ يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرُأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ هُوَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَعْنَزِلَ عَنْ خَدِيجَةَ أَرْبِيعِنَ صَبَاحًا» (مجلسی، ج ۱۶، ق ۱۴۰، ص ۷۸)

ترجمه: پیامبر ﷺ در ریگزار ابطح با عمار یاسر، منذر بن ضخاض، ابوبکر، عمر، علی ابن ابی طالب ؑ، عباس بن عبدالمطلب و حمزه بن عبدالمطلب نشسته بودند. ناگهان جبرئیل در صورت عظیمش بر او فرود آمد؛ بالهایش را از مشرق تا مغرب

گسترانیده بود. پس ندا داد: ای پیامبر بزرگوار! خداوند بر تو سلام می‌فرستد و به تو دستور می‌دهد که چهل روز از حضرت خدیجه فاصله بگیری.
در این قسمت از حدیث دو نکته قابل تأمل است:

اول اینکه جبرئیل با هیبت اصلی خود (با بالهای گسترده) بر پیامبر ﷺ فرود آمد.
این مسئله نشان می‌دهد که حامل پیام بسیار مهم برای پیامبر ﷺ بوده است؛ همچنان که برای اعلام امر رسالت هم با هیبت کامل بر رسول الله ﷺ ظاهر شد. (ر.ک: تفاسیر، ذیل سوره علق)

نکته دوم، واژه «یَأْمُرُك» (خداوند به تو دستور می‌دهد) است. این نکته، متضمن این معناست که دستور لازم‌الاجرا و دارای وجوب فوری است؛ چراکه خداوند از عشق فراوان پیامبر ﷺ و خدیجه به یکدیگر آگاه بود و می‌دانست چنین دستوری بر آن دو حضرت سنگین و مشقت‌بار است. از این‌رو، در ادامه حدیث آمده است: «فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى النَّبِيِّ وَ كَانَ لَهَا مُحِبًّا وَ بِهَا وَأِمِقًا» (همان)؛ پس، آن بر پیامبر ﷺ سنگین و سخت آمد؛ چراکه او عاشق و دلباخته همسر وفادار خویش بود. ولی چون دستور، دستور الهی و لازم‌الاجرا بود، پیامبر ﷺ بر انجام آن لحظه‌ای درنگ نکرد و از همان لحظه امر الهی را شروع نمود، بدون اینکه واقعیت امر را به حضرت خدیجه اطلاع دهد. از این‌رو، آن حضرت در روزهای آخر دوره، عمار یاسر را به خدمت خدیجه ﷺ فرستاد و به او فرمود به خدیجه بگو: «یا خَدِيْجَةُ لَا تَظُنِّي أَنَّ اْنْقِطَاعِي عَنْكِ [هُجْرَةٌ] وَ لَا قَلَّى وَ لَكُنْ رَبِّي عَزٌّ وَ جَلٌّ أَمْرَنِي بِذَلِكَ لِتَنْفَذَ [لِيُنْفَذَ] أَمْرَهُ فَلَا تَظُنِّي يَا خَدِيْجَةُ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزٌّ وَ جَلٌّ لَبِيَاهِي بِكِ كَرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلَّ يَوْمٍ مِرَارًا» (همان)؛ گمان نکن که من از تو بریده و تو را رها کرده‌ام، بلکه پروردگارم برای اجرای آن به من دستور فرموده است. در آن خیر بیندیش؛ خداوند هر روز به وجود تو به بزرگان فرشته‌ها افتخار می‌کند.

لازم به ذکر است که حضرت خدیجه نیز در همین ایام به دستور پیامبر ﷺ در منزل مانده بود و نمونه بارز آیه «وَقَرَنَ فِي يُّوْتِكُنَ» (احزان: ۳۳) در این ایام و در تمام عمر بود، و برای دوری پیامبر ﷺ در حزن و نگرانی بود.

۳- روزه گرفتن و قیام و عبادت شباهه در طول مدت چهل شباهه روز

در بخشی از حدیث آمده است: «فَاقَامَ النَّبِيُّ ﷺ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيلَ» (همان)، پیامبر در این چهل روز، روزه دار بود و در شب به عبادت می پرداخت. او باید چهل شباهه روز، یادآور اربعین میقات حضرت موسیؑ (بقره: ۵۱) با تمام مشکلات آن زمان و مسائل روزمره نوبای اسلام، در عبادت و بندگی سپری نماید. مگر چه موضوع مهمی قرار است صورت گیرد؟

نکته مهم و قابل تأمل دیگر اینکه این ایام را پیامبر ﷺ در چه مکانی سپری کرد؟ در حدیث، بیان شده که پیامبر در پیغام خود به حضرت خدیجه ؓ می فرماید: «فَإِنِّي فِي مَنْزِلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ» (همان)، یعنی در منزل فاطمه بنت اسد، مادر اسدالله الغالب، امیرالمؤمنین، علیؑ همسر آینده بنت محمد رسول الله ﷺ (در خانه اگر کس است، یک نکته بس است!)

۴- پایان چهل روز، نزول جبرئیل و میکائیل برای تحفه الهی

پس از سپری شدن «فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ»، جبرئیل، فرود آمد و گفت: «يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى! يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَهُوَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَتَاهَبَ لِتَحِيَّتِهِ وَتُحْفَتِهِ. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا جَبَرِيلُ وَمَا تُحْفَهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَمَا تَحِيَّهُ قَالَ لَا عِلْمَ لِي...» (همان)، ای پیامبر بزرگوار! خداوند به تو درود می فرستد و به تو دستوری می دهد که برای هدیه و تحفه او آماده شوی. پیامبر به او گفت: تحفه پروردگار چیست؟ جبرئیل گفت: من به آن آگاهی ندارم، در

آن وقت، میکائیل فرود آمد و با او ظرفی بود که با پارچه‌ای از سندس [یا استبرق] پوشیده شده بود، آن را جلوی پیامبر گذارد.

در قسمتی از حدیث آمده که جبرئیل در جواب سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد تحفه الهی، این جمله را بیان کرد: «لا علام لی». این چه تحفه‌ای بود که جبرئیل، مأمور خبرهای غیبی خداوند، نسبت به ماهیّت آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند؟ همان‌گونه که در زیارت‌ش به آن اشاره شده است: «فاطمة بنت رسول الله وبُضْعَةِ لَحْمٍ وَ صَمِيمٍ قَلْبٍ وَ فَلَذَةَ كَبِيْدَهُ وَ التَّحْيَةُ مِنْكَ لَهُ وَ التُّحْفَةُ» (مجلسی، ج ۱۴۰، ص ۲۰۰، سطر ۱۵)؛ فاطمه دختر رسول خدا، پاره تن او و قوام قلب، پاره جگرش و آنکه هدیه و تحفه پروردگار برای پیامبر بود.

«وَلَهَا لِيْسَ نَوَالَهُ إِلَّا نَوَالَ اللَّهِ عَمَّ نَوَالَهُ»؛ برای آن حضرت (زهرا ؑ) عطا و بخششی است که بالاتر از آن نیست، مگر عطا و بخشش خداوندی که بخشش او همگانی است. (مستنبط، ج ۱۳۸۷، ص ۴۲۷)

نزول میکائیل، فرشته رزق و روزی، از نکات قابل تأمّل در این موضوع است. فرود دو فرشته برای انجام یک امر الهی، یکی حامل پیام و یکی حامل هدیه الهی، همه عظمت یک موضوع را می‌رساند. قرار است چه اتفاقی بیفتند؟

۵- افطار با غذای مخصوص دربار الهی، معجونی از بهشت

جبرئیل به پیامبر گفت: پروردگار به تو دستور می‌دهد که از این غذا افطار کنی. «كَشَفَ الطَّبَقَ فَإِذَا عِدْقُ مِنْ رُطْبٍ وَ عُنْقُودُ مِنْ عِنْبٍ فَأَكَلَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم مِنْهُ شَبَعاً وَ شَرَبَ مِنَ الْمَاءِ رِيًّا وَ مَدَّ يَدَهُ لِلْغَسْلِ فَأَفَاضَ الْمَاءَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ وَ غَسَلَ يَدَهُ مِيكَائِيلُ وَ تَمَنَّدَهُ إِسْرَافِيلُ ارْتَفَعَ فَاضِلُ الطَّعَامِ مَعَ الْإِنَاءِ إِلَى السَّمَاءِ» (مجلسی، ج ۱۴۰، ص ۷۹)؛ ظرف را آشکار ساخت. در آن، خوشه‌ای خرمای تازه و خوشه‌ای انگور بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آنها میل فرمودند. بعد از آن، آب نوشید تا سیراب شد. پس اراده

فرمود دستهای خود را بشوید؛ جبرئیل بر دستهایش آب ریخت، میکائیل آن را شست و شو داد و اسرافیل با دستمالی خشک کرد. آنگاه اضافه غذا را با ظرف آن به طرف آسمان برداشت.

نکته اول: یکی دیگر از فرشتگان الهی، یعنی اسرافیل، به عنوان یک خدمتکار در این زمان و برای این موضوع حضور یافته است.

نکته دوم: در بخشی از حدیث آمده که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: روش پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم این بود که هنگام افطار به من دستور می‌داد در را باز کنم تا اگر کسی می‌خواست غذا بخورد، وارد شود؛ ولی در آن شب به من فرمودند: کنار در بنشین و کسی را راه نده؛ زیرا خوردن این طعام بر غیر من حرام است. (همان) پس می‌توان گفت: این غذا نه تنها با غذاهای دنیایی بسیار فرق داشت، بلکه در میان مائدۀ‌های الهی نیز غذای مخصوص دربار الهی بود.

نکته سوم: در مورد نوع غذایی که باعث انعقاد نطفه وجود حضرت زهراء رض در جسم پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم گردید، چندین نظر بیان شده است:

۱. خرما و انگور (همان):
 ۲. سبب بهشتی از درخت طوبی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۵، حدیث ۴ و ۵)؛
 ۳. آمیخته شدن عرق جبرئیل (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۱)؛
 ۴. خرما به تنها یی (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ص ۴۶۰ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ص ۴۰۸).
- از میان موارد فوق، سبب بهشتی از بقیه اهمیت و شهرت بیشتری دارد. از همین روست که در زیارت‌نامه آن حضرت، ایشان را «تفاحة الفردوس و الخلد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۷، ص ۱۹۹، باب زیارت فاطمه علیها السلام) خطاب قرار می‌دهیم؛ یعنی سبب بهشت فردوس و خلد.

اما می‌توان این نکته را نیز عنوان نمود که هر سه مورد یعنی سیب، انگور و خرما از بهشت برای پیامبر ﷺ آمده بود و با توجه به دو نکته، می‌توان بین هر سه میوه جمع نمود:

الف. از مهم‌ترین درختان بهشتی، درخت «طوبی» است. در فرمایش امام رضا علیه السلام خطاب به اباصلت آمده است: «إِنَّ شَجَرَةَ الْجَنَّةِ تَحْمِلُ أَنْواعًا... وَلَيْسَتْ كَشَجَرَةَ الدُّنْيَا» (شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۰۶ / جزایری، ج ۱۴۰۴، ص ۳۹)؛ همانا درخت بهشتی انواع میوه‌ها را دارد و مانند درخت دنیایی نیست. بنابراین، درخت طوبی می‌تواند هر نوع میوه‌ای را دربر داشته باشد.

ضمن اینکه در برخی از روایات، نام اختصاصی از میوه برده نشده و فقط اشاره شده که جبرئیل از میوه‌های طوبی به پیامبر ﷺ دادند؛ مانند این حدیث: هنگامی که عایشه به بوسیدن مکرر حضرت فاطمه علیها السلام توسط پیامبر اعتراض کرد، رسول خدا به او فرمودند: «بِأَنَّ عَائِشَةً إِنِّي لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَذْنَانِي جَبَرَئِيلُ مِنْ شَجَرَةِ طُوبَى وَنَأْوَلَنِي مِنْ ثِمَارَهَا فَأَكْلَتُهُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً فِي ظَهْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ» (قمی، ج ۱۳۶۷، ش ۲۱ و ۳۶۵ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۳۶۴، باب إثبات المعراج)؛ ای عایشه! هنگامی که به معراج رفتم، به بهشت وارد شدم. جبرئیل مرا به نزدیک درخت طوبی برد و از میوه‌های آن به من داد. پس آن را خوردم. خداوند آن را به آبی در پشت من تبدیل کرد و هنگامی که به زمین فرود آمدم در اثر موقعه با خدیجه، به فاطمه باردار گشت.

ب. خوردن این میوه‌ها در مراحل مختلف صورت گرفته است. در معراج، بحث میوه سیب و درخت طوبی برای پیامبر ﷺ مطرح شده و بعد از آن، در زمین رطب و انگور، و در جمع باعث ایجاد نطفه آن بانوی اسلام گردیده است و به نظر می‌آید آمیختگی عرق جبرئیل در موقع حمل آن غذا صورت گرفته باشد نه به عنوان یکی از اجزای اصلی.

۶- تعجیل پیامبر ﷺ در موقعه با حضرت خدیجه ؓ به امر الهی

پس از آنکه پیامبر از آن غذای بهشتی و الهی خورد، برخاست تا برای نماز آماده شود. جبرئیل او را از نماز خواندن منع نمود و به او فرمود: «الصَّلَاةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ فِي وَقْتِكَ حَتَّى تَأْتِيَ إِلَى مَنْزِلِ خَدِيجَةَ فَتُوَاقِعَهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَلَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَخْلُقَ مِنْ صُلْبِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ ذُرْبَةً طَيْبَةً فَوَثِبْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى مَنْزِلِ خَدِيجَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۷۹)؛ اکنون وقت نماز نیست، بلکه باید به خانه خدیجه روی و با او همبستر گردی. خداوند اراده فرمود که امشب از صلب شما فرزندی پاک بیافریند. رسول خدا ﷺ به دنبال این فرمان، فوری به طرف خانه خدیجه روان گردید.

از عبارت «وَتَبَ الى» (پرید، برجست) (خلیل جر، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۱۶۰) می‌توان فهمید که امر الهی وجوب فوری داشته است و ثانیاً پیامبر ﷺ به خاطر علاقه وافری که به همسر خویش داشت، به محض رخصت الهی برای دیدار حضرت خدیجه ؓ، به منزل ایشان رفت. و این عشق دو طرفه بود؛ زیرا در حدیث آمده که حضرت خدیجه هنگامی که صدای پیامبر ﷺ را شنید، با شادمانی و خوشحالی فروان در را باز کرد. «قَالَتْ خَدِيجَةُ فَقَمْتُ فَرِحَةً مُسْتَبِشِرَةً بِالنَّبِيِّ ﷺ وَ فَتَحْتُ الْبَابَ» (همان) پیامبر ﷺ هر شب طبق عادت، در بد و ورود به خانه، وضعی ساخت و دو رکعت نماز مختصر می‌خواند، سپس در بستر قرار می‌گرفت؛ ولی در آن شب ظرف آبی طلب نکرد و برای نماز خواندن آماده نشد و این همان مطلب قبلی، یعنی سرعت و تعجیل در تنفیذ امر الهی را اثبات می‌کند. آری، امر الهی.

۷- احساس بارداری در همان لحظات اول برای حضرت خدیجه ؓ

در آن شب نورانی، نطفه حضرت فاطمه ؓ به امر الهی از صلب نبوت به رحم مُطهّر منتقل شد و این نکته مهمی بود که در جمله حضرت خدیجه، هویداست؛ اینکه

برخلاف تمام انعقاد نطفه‌ها، حضرت خدیجه از همان لحظه متوجه باردار شدن خود گردید. «فَلَا وَالَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ وَأَنْبَعَ الْمَاءَ مَا تَبَاعَدَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ حَتَّى حَسِّسَتُ بِثِقلِ فَاطِمَةَ فِي بَطْنِي» (همان، ج ۱۶، ص ۸۰)؛ سوگند به آنکه آسمان را برافراشت و آب را از چشمها جاری ساخت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن شب از من دور نگردید، مگر اینکه سنگینی حمل فاطمه ؑ را در وجود خود احساس کرد.

یکی از بیشترین بحث‌هایی که در مورد حضرت فاطمه ؑ مطرح شده است، تناسب ایشان با درخت طوبی است که به جرئت می‌توان گفت: میوه‌های درخت طوبی، اصل و اساس وجود مقدس حضرت فاطمه ؑ را تشکیل داده‌اند؛ یعنی عصاره‌ای از بهشت.

نقش درخت طوبی در تولد حضرت زهرا ؑ

به دلیل اهمیت موضوع و نقش طوبی در تولّد و ازدواج آن حضرت، به توضیح مختصری در مورد طوبی و چند نمونه احادیث آن اشاره می‌گردد.
در زبان هندی و حبشی، طوبی یکی از نام‌های بهشت است. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۷، ص ۱۵۲) و اصل ماده آن به معنای «دوری از آلودگی ظاهری و باطنی» است و متضاد آن «خَبْث» می‌باشد. (همان) مرحوم طبرسی در تفسیر خود، ده مورد معنی را در ذیل آن می‌آورد. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۴۴۷) در مجموع می‌توان گفت: هر کدام از آن موارد به جنبه‌ای از آن اشاره دارد.
واژه «طوبی» به همراه مشتقاش پنجاه بار در قرآن به کار رفته است. خود این واژه اختصاصاً در آیه ۲۹ رعد آمده است: «طوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآب».

توصیفات ظاهری «طوبی»

۱. در تفسیر حرف «ط»: «... وَ أَمّا الظّاءُ فَطُوبِي لَهُمْ وَ حَسْنُ مَآبٍ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۲۹، باب المؤمن / حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۲۹)
۲. آفریده شدن آن مستقیماً توسط خداوند: «یا محمد: آخربَنی عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءِ خَلَقَهُنَّ بَيْدِهِ وَ كَتَبَ التَّوْرَاتَ بَيْدِهِ. قَالَ: صَدَقَتَ» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۴) نیز حدیث: «... أَنَّهَا شَجَرَةُ غَرَسَهَا اللَّهُ بَيْدِهِ» (محمد بن نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۲۲)، آن درختی است که خداوند آن را با دست خود نشانده است.
۳. دمیده شدن روح خداوند در آن: در روایتی آمده است: «نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۱۷)، در آن، روح خودش را دمید. در قرآن، آیه «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹) اختصاص به آفرینش انسان دارد که در این حدیث جای بسیار تأمل دارد.
۴. در برگیرنده تمام نعمت‌های پیشتر: از عبدالله بن مسعود از قول پیامبر ﷺ روایت شده است: «تَحَمَّلُ كُلُّ نَعِيمٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَ إِنَّ عَلَيْهَا ثَمَارًا بَعْدَ النَّجُومِ...» (محمد بن نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۲۲)، [آن درخت] هر نعمتی را که خداوند - عزوجل - آن را برای اهل بهشت آفریده در بر دارد و بر آن میوه‌هایی است به تعداد ستارگان.
۵. جاری شدن چهار نهر از زیر آن: «... مِنْهَا أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ مَاءٌ وَ خَمْرٌ وَ عَسَلٌ وَ لَبَنٌ» (همان)، از آن درخت چهار نهر از آب و شراب و عسل و شیر سرچشمه می‌گیرد. این خصوصیت در آیه ۱۵ سوره محمد ﷺ در توصیف بهشت پرهیزگاران آمده است.
۶. دیده شدن شاخه‌های آن از سر دیوارهای بهشت: «وَ إِنَّ اغْصَانَهَا لُتْرَى مِنْ وَرَاءِ سُورِ الْجَنَّةِ تَنْبُتُ بِالْحَلِيِّ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۱۷)، شاخه‌های آن از دیوارهای بهشت دیده می‌شود که با زیور آلات رشد کرده است.

۷. پوشش اهل بهشت از شکوفه‌های آن: ابن مسلم از رسول الله^ص نقل می‌کند که فرمود: «شجرةٌ فِي الْجَنَّةِ مُسِيرَهُ مِئَةُ سَنَةٍ وَ ثِيَابٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ مِنْ أَكَمَامِهَا...» (محمد بن حبّان ابوحاتم، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۴۲۶)؛ درختی است در بهشت که مسیری صد ساله دارد و لباس اهل بهشت از شکوفه‌های آن است.

۸. از بزرگ‌ترین درختان بهشت و جایگاه اختصاصی پیامبر^ص: پیامبر اکرم^ص فرمود: «إنَّ أَكْبَرَ اشْجَارِهَا، شَجَرَةٌ طَوْبِيٌّ وَ خَيْمَتِيٌّ تَحْتَهَا» (حقی^ع بروسوی، ج ۴ ص ۳۷۵)؛ بزرگ‌ترین درخت بهشت درخت طوبی است و خیمهٔ من زیر آن است.

۹. عظمت و بزرگی آن: «... طوبی فانها شجرةٌ في الجنة... ولو ان طائراً طارَ من ساقها لم يبلغ فرعها حتى يقتله الهرم، على كل ورقةٍ مِنْهَا ملکٌ يذكُرُ اللَّهَ وَ لِيُسَ فِي الْجَنَّةِ دَارٌ، وَ فِيهَا غُصْنٌ مِنْ اغصانها...» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۸)؛ طوبی درختی در بهشت است که اگر پرنده‌ای از تنہ آن پرواز کند به شاخه‌های آن نمی‌رسد، مگر اینکه پیری او را می‌میراند. بر هر برگی فرشته‌ای است که خداوند را ذکر می‌کند و شاخه‌های آن در تمام خانه‌های بهشتی وجود دارد.

همین مضمون از امام صادق^ع نیز نقل شده، و نیز فرمود: اگر سواری تیزتک، صد سال در سایه آن رهنوردی کند، از سایه آن خارج نمی‌شود و اگر کلاگی برای رسیدن به اوج آن به پرواز در آید، به انتهای آن نمی‌رسد، مگر اینکه پیری او را (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۴۴۷)

توصیفات دیگری از آن درخت، از جمله جنس شاخه‌ها، تنہ و تعداد شاخه‌ها، در احادیث آمده است. (شاذان بن جبریل، ۱۳۶۳، ص ۳۵)

طوبی در مقابل کارها و اعمال ذیل به انسان مؤمن داده می‌شود:

۱. اطعام سه نفر از مسلمانان: (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۰۰)؛
۲. راست‌گویی، امانت‌داری، وفا به عهد، صلة ارحام، ترحم به ضعیفان، خوش‌اخلاقی و پیروی از علم (همان، ج ۲، ص ۲۳۹، باب المؤمن)؛

۳. در ک فضیلت ماه رمضان و شعبان (محدث نوری، ج ۷، ص ۵۴۲)؛

۴. اختصاص به اُمّت پیامبر خاتم ﷺ (طبرسی، [بی‌تا]، ص ۱۲، باب دوم)؛

۵. حب علی بن ابی طالب ؓ (طبری، ۱۳۸۳، ص ۳۶)؛

۶. تمسک به امر امام زمان (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) در زمان غیبت.

مظفر بن جعفر بن مظفر العلوی از امام صادق ؑ نقل می‌کند: «طوبی لَمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزْغُ قَلْبُهُ بَعْدَ هَدَايَتِهِ» (شیخ صدوق، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۵۸)؛ درخت طوبی از آن کسی است که در زمان غیبت امام قائم ما به امر او توسل و تمسک جوید. پس قلب او بعد از هدایت، منحرف نشود.

سپس امام صادق ؑ طوبی را درختی در بهشت معرفی می‌کند که اصل آن در خانه علی بن ابی طالب ؓ است.

طوبی و حضرت فاطمه ؑ

در مورد تولد حضرت فاطمه ؑ و کیفیت پیش از آن و همچنین زندگی و ازدواج آن حضرت در ارتباط با «شجره طوبی» احادیثی آمده که به طور گزینشی به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم تا پرده‌ای دیگر از حقیقت طوبی و نقش طوبی در تولد آن بانو، برای ما برداشته شود.

پیش‌تر بیان گردید که پیامبر ماجرا ورود به بهشت و خوردن میوه درخت طوبی و تبدیل آن به نطفه صدیقه کبری را برای عایشه و (زنان دیگر خویش) بیان کرد. در آخر حدیث آمده: «فَكُلُّمَا إِشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ قَبَّلْتُهَا وَ مَا قَبَّلْتُهَا إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طَوْبِي مِنْهَا، هِيَ حُورَاءُ أَنْسِيَةٍ» (استرآبادی، ج ۴، ص ۲۴۰/ مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۳)؛ پس هر گاه که مشتاق بهشت می‌شوم او را می‌بوسم و بوی درخت طوبی را استشمام می‌کنم. او [حضرت فاطمه ؑ] فرشته‌ای با ظاهر انسانی است.

این حدیث بسیار مشهور و معروف است که بیان می‌کند حضرت فاطمه ؑ چه تناسبی با درخت طوبی دارد. فاطمه زهرا ؑ در حدیثی این‌گونه معرفی شده است: «الصَّدِيقَةُ الْكَبِيرَى، رَاحَةُ رُوحِ الْمُصْطَفَى، حَامِلَةُ الْبَلْوَى مِنْ غَيْرِ فَزْعٍ وَ لَا شَكْوَى وَ صَاحِبَةُ شَجَرَةِ طَوْبَى» (ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۳۵۶؛ صدیقه کبری، آرامش روح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حمل کننده بلاها بدون گله و شکایتی و جزع و فزع، و صاحب درخت طوبی است.

صدیقه طاهره، حضرت فاطمه ؑ در خطبه مفاخره خود با همسرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام در عباراتی خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «أَنَا ثَمَرَةُ قُوَادِ [فَوَادِ النَّبِيِّ] وَ عُضُوُّ مِنْ أَعْضَائِهِ وَ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهِ... أَنَا إِبْنَةُ سَدْرَةِ الْمُنْتَهَى... أَنَا الشَّجَرَةُ الَّتِي تَخْرُجُ آكُلُهَا، أَعْنَى الْحَسَنَ علیه السلام وَ الْحَسَيْنَ علیه السلام». (شاذان بن جبرئیل، ۱۳۶۳، ص ۸۰؛ من میوه قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عضوی از اعضای او و شاخه‌ای از شاخه‌های آن هستم. من دختر سدرة‌المنتهی هستم. من درختی هستم که مبوه‌هایش خارج می‌گردد؛ منظورم امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.

در مورد ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت فاطمه ؑ «مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْقَيَانِ» (رحمن: ۱۹) باید گفت که چون فاطمه زهرا ؑ صاحب عصمت بود، کفو او نیز باید صاحب عصمت باشد؛ و مرد غیرمعصوم را بر زن صاحب عصمت راهی نیست. در ازدواج آنها همانند ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه رض آمده که درخت طوبی از جانب خداوند دستور یافته که دُرهای خود را نثار بهشتیان کند. در اینجا بود که پیک مخصوص، پیدایش حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را در اثر این ازدواج به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نوید می‌دهد: «سَيُولَدُ مَتَهَا وَ لَدَانِ سِيدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ يَهِمَا تَزَيَّنَ أَهْلُ الْجَنَّةِ» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۹۴ و ۲۹۵؛ از آن ازدواج، سرور جوانان اهل بهشت متولد خواهند شد که بهوسیله آن دو مولود، اهل بهشت تزئین می‌شوند.

صاحب المناقب در مورد درخت طوبی و ازدواج حضرت فاطمه می‌آورد: «نصبَ الجليلُ لجبرئيلَ منبراً في ظلٍّ طبويٍّ من متون زيرجدٍ / شهدَ الملائكةُ الْكَرِيمُ وَ رَبُّهُمْ وَ كَفَى بِهِمْ وَ بِرَبِّهِمْ مِنْ شَهِيدٍ / وَ تَنَاثَرَتْ طُوبَى عَلَيْهِمْ لَؤلُؤاً وَ زَمَرُدًا مُتَابِعًا لَمْ يَعْقِدْ / وَ مَلَاكُ فاطمةَ الَّذِي مَا مِثْلَهُ فِي مَتْهِمٍ شَرَفٌ وَ لَا فِي مَنْجَدٍ». ^۱ (حمیری، ص ۱۴۲۰، ۸۸)

در بحث ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی^ع و حضرت فاطمه علی^ع علاوه بر درخت طوبی، درخت سدر نیز مأمور نثار کردن دُرها و یاقوت‌های خود به میمنت این ازدواج شد. «عن جابر بن عبد الله، قال لما زوّج رسول الله^ص فاطمة^ع من على^ع أتاها ناسٌ من قريش فقالوا إنك زوجت علياً بمهرٍ خسيسٍ فقال ما أنا زوجت علياً، و لكن الله عز وجل زوجة...، أوحى الله إلى السدرة أن انثر ما عليك، و نثرت الدر و الجواهر و المرجان...» (طوسی، ص ۱۴۱۴، مجلس ۰۱، ۲۵۷ق). از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است: هنگامی که پیامبر حضرت فاطمه را به ازدواج امیرالمؤمنین^ع درآورد، گروهی از قریش به نزد وی آمدند و گفتند: شما او را با مهر ناچیزی به ازدواج علی^ع درآوردهید. پیامبر فرمودند: من او را به ازدواج علی^ع درنیاوردم، بلکه خداوند آن ازدواج را منعقد کرد و... خداوند به سدره‌المنتهی دستور داد آنچه که دارد بر فاطمه علی^ع نثار کند، پس آن دُر و جواهر و مرجان خود را نثار نمود.

در تفسیر عیاشی، حدیثی آمده است که مقام زهای اطهر^ع را این‌گونه بیان می‌کند: «لَقَدْ نَحَلَ اللَّهُ طبُوَى فِي مَهْرِ فاطِمَةَ وَ جَعَلَهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ». (عیاشی، ج ۰۲، ص ۲۱۲؛ ۱۳۸۰ق).

خداؤند درخت طوبی را در مهر حضرت فاطمه علی^ع به او بخشید و آن را در خانه علی قرار داد.

۱. ترجمه: خداوند جلیل در سایه طوبی برای جبرئیل منبری از زبرجد قرار داد. فرشتگان و پروردگار شاهد آن بودند و پروردگار و فرشتگان به عنوان شاهدان برای آن ازدواج کافی هستند. درخت طوبی مرواریدها و زمردهای پراکنده خود را پی در پی نثار آنها کرد. و ازدواج فاطمه علی^ع در بلندای شرافت و در نجد (سرزمین عربستان) مانندی ندارد.

عبدالوهاب شعرانی در کتاب **الیواقیت و الجواهر** آورده است: «اگر تو بگویی اصل شجره طوبی در کدام منزل از بهشت است، جواب این است که محبی‌الدین در فتوحات و شیخ ابن ابی منصور در رساله خود گفته‌اند: اصل شجره طوبی در منزل علی بن ابی طالب است، به سبب اینکه شجره طوبی حجاب مظہر نور فاطمه زهرا ﷺ است، پس هیچ‌یک از هشت در بهشت، و نه خانه‌ای و نه مکانی به آن درجه نیست، مگر اینکه در آن شاخه‌ای از شجره طوبی است که غالب مردم نمی‌دانند اصل آن در کجاست... و تمامیت این نعمت نیست، مگر به جهت اینکه سر هر نعمتی که در بهشت است و هر نصیبی که در آن به اولیا می‌رسد مُتفّرع از نور فاطمه ﷺ است.

(شعرانی، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۱۹)

بنابراین، مرتب او را می‌بوسید و می‌گفت: «فَكُلُّمَا اشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ قَبَّلْتُهَا وَ مَا قَبَّلْتُهَا إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طَوْبِي مِنْهَا» (استرآبادی، ص ۲۴۰، ج ۹؛ هر گاه که مشتاق بهشت می‌شوم او را می‌بوسم و بوی درخت طوبی را استشمام می‌کنم. نیز جمله «فَإِنَّمَا إِشْتَقَتُ إِلَى الْجَنَّةِ أَدَنَتُهَا (فاطمه) فَشَمَّتُ رِيحَ الْجَنَّةِ» (مجلسی، ج ۸، ص ۱۵۱؛ پس من هنگامی که مشتاق بهشت می‌شوم به او نزدیک می‌شوم و بوی بهشت را استشمام می‌نمایم).

حال به وجود حرف «ط» در این واژه‌ها نگاهی بیندازیم: مصطفی، فاطمه، علی بن ابیطالب. ضمن اینکه در نام دیگر ائمّه حرف «ط» دیده نمی‌شود. از موسی بن جعفر <علیه السلام> نقل شده که وی به نقل از پدرانش فرمود: از پیامبر در باره «طوبی» سؤال شد، فرمود: درختی است که اصل آن در خانه من و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت است. سپس بار دیگر از حضرتش سؤال کردند، فرمود: اصل آن در خانه علی است. علت را سؤال کردند. فرمود: خانه من و علی در بهشت، در یک مکان است. (طبرسی، [بی‌تا]، ص ۱۲، باب دوم) طوبی به وجود هر سه گره خورده است. بار دیگر به حرف «ط» در این آیه دقت کنیم. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثُرَ» (کوثر: ۱). فاطمه کوثر است و

نور خدا «بِرِيدُون لِيَطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ...» (صف:۸) راز فاطمه (و السر المستودع فيها)، (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۹، ص ۱۱۶، باب زیارت المهدی عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف)، تا ظهور ناظر طوبی، یعنی حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) پا بر جاست.

۲. اسرار، کیفیت و نکات مربوط به ولادت

در مورد تاریخ تولد حضرت فاطمه علیها السلام اندکی اختلاف وجود دارد، اما از نظر دوستداران و پیروان حقیقی آن حضرت، تمسک به نقل ائمه اطهار علیهم السلام، صحیح ترین و قطعی ترین تاریخ، پنج سال بعد از بعثت در بیستم جمادی الآخر است. در مورد سالهای ازدواج و شهادت ایشان چندان مورد اختلاف وجود ندارد؛ یعنی ازدواج در سال اول یا دوم هجرت و شهادت در تاریخ یازدهم هجرت، اما در اینکه حضرت در این وقایع چه سنی داشته‌اند، مورد اختلاف است و آن به تعیین زمان ولادت ایشان بستگی دارد.

آنچه که مسلم است، ولادت آن حضرت بنا بر روایات بعد از بعثت اتفاق افتاده است «أَنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام وُلِدَتْ بَعْدَ مَا أَظْهَرَ اللَّهُ بُيُوتَةً أُبِيهَا علیها السلام بِخَمْسِ سِنِينَ وَ قُرْبَشُ تَبْيَنِي الْبَيْتَ وَ رُوِيَ أَنَّهَا وُلِدَتْ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْ سَنَةَ خَمْسٍ وَ أَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ علیه السلام» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۷۸)؛ همانا فاطمه علیها السلام بعد از اینکه خداوند نبوت پدرش را آشکار کرد، متولد شد. حضرت فاطمه در سال پنجم در حالی که قریش خانه کعبه را بنا می‌کرد یا تعمیر می‌کرد، در روز ۲۰ جمادی الآخر در سن ۴۵ سالگی پیامبر علیه السلام متولد شد.

همچنین آمده است: «رُوِيَ أَنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام وُلِدَتْ بِمَكَّةَ بَعْدَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ بَعْدَ الْأَسْرَى [الإِسْرَاءِ] بِثَلَاثِ سِنِينَ فِي الْعِشْرِينَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۴۸)؛ روایت شده که حضرت فاطمه علیها السلام در مکه، پنج سال بعد از بعثت - سه سال بعد از معراج - در روز بیستم جمادی الآخر متولد شده است.

به نظر قوی، این بازسازی کعبه برای بار دوم بوده است. تاریخ ولادت حضرت فاطمه ﷺ مسئله بسیار مهمی است؛ چراکه ثبت دقیق این وقایع، مستندات تاریخی را قوی‌تر می‌کند و مسئله ازدواج و بخصوص شهادت آن حضرت را نیز دقیق‌تر و آشکارتر می‌سازد، و شاید همین اختلاف در ولادت ایشان همانند مخفی‌بودن قبرش از اسرار الهی باشد. البته ما در این نوشتار در پی اثبات زمان و سال تولد ایشان نمی‌باشیم. درباره حوادث و رویدادها و نکات زمان تولد ایشان می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

۱-۲. تکلم حضرت فاطمه ﷺ با مادر خویش در زمان بارداری

هنگامی که حضرت خدیجه، با پیامبر ﷺ که فردی یتیم و فقیر بود، ازدواج نمود، زنان مکه از او دوری می‌گزیدند، به او وارد نمی‌شدند و سلام نمی‌کردند. از این‌رو، حضرت خدیجه احساس تنها می‌نمود. «فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَ تُصْبِرُهَا وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ تَكْتُمُ ذِلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ يُحَدِّثُكِ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثِنِي وَ يُؤْنِسُنِي». (حلی، ۸/۲۲، ص ۱۴۰۸ ق، مجلسی، ۴/۱۶، ج ۸۰)؛ زمانی که به فاطمه باردار شد، حضرت فاطمه ﷺ در بطن حضرت خدیجه با او حرف می‌زدند و او را به صبر و شکیبایی دعوت می‌نمودند. حضرت خدیجه حرف زدن فاطمه ﷺ با خود را از پیامبر ﷺ مخفی می‌کرد تا اینکه روزی رسول خدا شنید که حضرت با فاطمه ﷺ صحبت می‌کنند. فرمودند: با چه کسی سخن می‌گویی؟ عرض کرد: جنینی که در شکم من است، پیوسته با من حرف می‌زند و موجب آرامش من می‌شود. حضرت فاطمه ﷺ علاوه بر لقب «ام ابیها»، مادر خود را نیز در حالت جنینی، به صبر و شکیبایی دعوت می‌نمود.

۲-۲. بشارت به دختر بودن جنین و ادامه نسل با برکت پیامبر ﷺ توسط آن جنین

پیامبر ﷺ به حضرت خدیجه فرمود: «هَذَا جَبْرِيلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا أُنْثَى وَأَنَّهَا النَّسَمَةُ الظَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَسَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَئِمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءً فِي أَرْضِهِ بَعْدَ اِنْقِضَاءِ وَحْيِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۸۰); جبرئیل به من خبر داد که آن جنین دختر است و نسلی پاک و مطهر دارد و خداوند متعال نسل مرا از ذریه او قرار خواهد داد و از نسل او امامانی خواهند آمد که پس از من و بعد از اتمام وحی، خلیفه‌های الهی بر روی زمین خواهند بود.

نکته مهم این قسمت آن است که معمولاً نسل هر فردی از طریق فرزند ذکور وی ادامه می‌یابد و اصطلاحاً به کسی که فرزند پسر ندارد «ابت» می‌گویند، ولی از رازهای دیگر وجود مقدسه زهرا علیها السلام این است که در آن جامعه جاهلی و دیدگاهی که نسبت به دختر داشتند، نسل برترین انسان جهان هستی از طریق او ادامه می‌یابد و خلیفه‌های الهی از دامن او رشد یافته و زمینه‌ساز سعادت انسانی می‌گردند.

۳-۲. حضور چهار زن برتر جهان هنگام تولد

هنگامی که زمان فارغ شدن و وضع حمل زنی می‌رسد، معمولاً زن‌ها برای کمک به او می‌شتابند؛ ولی هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام به زنان قریش و بنی‌هاشم پیغام کمک فرستاد، آنها با کینه‌ای که از ازدواج خدیجه با پیامبر ﷺ به دل داشتند، از کمک به او سر باز زدند و به یاری او نیامدند. در این هنگام، خدایی که تمام مقدمات و برنامه‌ریزی خود را برای تولد این بانو، آماده و مهیا ساخته بود، رسولان خود را برای یاری فرستاد: «دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبُعٌ نِسْوَةٌ طَوَالٌ كَانْهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَقَرِعْتُ

مِنْهُنَّ قَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ لَأَتَحْزِنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكِ إِلَيْكِ وَنَحْنُ أَخْوَاتُكِ آتَا سَارَةُ وَهَذِهِ آسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَهِيَ رَفِيقَتُكِ فِي الْجَنَّةِ وَهَذِهِ مَرِيمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَهَذِهِ صَفْرَاءُ [صَفُورَاءُ] بِنْتُ شُعَيْبٍ» (شیخ صدوق، ج ۱۴۰۴، ص ۴۷۵ / طبری، ج ۱۳۸۳، ص ۸) راوندی، ج ۱۴۰۹، ص ۵۲۴ / مجلسی، ج ۱۶، ص ۸۰؛ چهار زن بلند قامت و نورانی بر او وارد شدند که بیشتر، زنان بنی‌هاشم بودند. حضرت خدیجه چون آنها را دید ترسید. یکی از آنان گفت: ای خدیجه! ناراحت می‌باش؛ چرا که ما را پروردگارت به سوی تو فرستاده است. ما خواهران تو هستیم؛ من ساره هستم و ایشان آسیه دختر مزاحم، رفیق تو در بهشت، این مریم دختر عمران و ایشان صفورا دختر شعیب است.

چهار زن برتر جهان، همراه حضرت خدیجه ﷺ از برای چه امری مأمور شده بودند و کمر به خدمت چه وجودی بسته بودند؟

۴-۲. نورانی شدن خانه‌های مکه و سرتاسر غرب و شرق زمین

«فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أُشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَلَمْ يَبْقَ فِي شَرْقٍ أَلْأَرْضِ وَلَا غَرْبَهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أُشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ» (مجلسی، ج ۱۴۰۴، ص ۸۰)؛ پس هنگامی که حضرت فاطمه ﷺ پا به عرصه زمین نهاد، نوری عظیم از ایشان بلند شد، تا اینکه به تمام خانه‌های مکه این نور داخل شد و در شرق و غرب زمین جایی از این نور خالی نماند. این همان «مَثُلُ نُورِهِ كِمِشْكَاهَ» (نور: ۳۵) و «نور الله» (توبه: ۳۲) است. شکوفه‌ها، شگفت‌زده از طراوات نوزادی شدند که عطر خدا را به همراه داشت و ستارگان، خیره در سیمای طلفی شدند که نور آفریدگار در آن باز تاییده بود و خدیجه شادمان از ولادت دختری که بوی عصمت می‌داد و طعم بهشت داشت.

۵-۲. خوراندن آب کوثر به حضرت فاطمه ؑ، شست و شو با آن و لباس‌های پیشتوی
پس از آنکه حضرت متولد شد، زنی که در مقابل حضرت خدیجه بود، آن نوزاد را
گرفت، اندکی از آب کوثر که قبلًاً توسط حورالعين آماده گشته بود به او خورانید و
در آب کوثر او را شست و شو داد و با دو پارچه سفیدرنگ که از شیر سفیدتر و از
مشک و عنبر خوشبوتر بودند، یکی را بر بدن نوزاد و دیگری را بر سر او بست.
(همان)

این نوزاد همان کوثر، حقیقت خیر فراوان است که خداوند وعده‌اش را به
پیامبر ﷺ داده بود که: ما به تو کوثر عطا می‌کنیم.

۶-۲. شهادت بر توحید، نبوت و امامت، اولین و آخرین رسالت حضرت فاطمه ؑ
نوزاد در بدو تولد خود لب به سخن گشود: «فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ بِشَهَادَةٍ أَنَّ لَهُ إِلَهٌ إِلَّا
اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلَى سَيِّدَ الْأُوصِيَاءِ وَ أَنَّ وَلْدِي سَيِّدُ
الْأُسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا» (همان)، خدایی جز الله
نیست، پدرم رسول خداست و سرور تمام انبیا. همسرم علی مرتضی علیه السلام، سرور تمام
اوصیا و فرزندانم حسن و حسین علیهم السلام سرور تمام بنی آدم. سپس نام تک‌تک فرزندان
[معصومش] را برد و بر آنها سلام کرد.

اینکه دیگران چه می‌اندیشیدند مهم نیست: ما را همین حدیث بس است برای
صراط مستقیم. آنهایی که این حدیث را باور ندارند، به سراغ آیات قرآن بروند؛ آن
هنگام که حضرت مریم علیها السلام فرزند خود را به روی دست به میان آماج تیر تهمت‌ها و
ناسزاها آورد، حضرت عیسی لب به سخن گشود و فرمود: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ
جَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم: ۳۰)؛ من بنده خدایم، به من کتاب داده است و مرا پیامبر قرار داده

است. حال چگونه این نوزاد سخن نگوید که خود دختر اشرف انبیا و همسر و مادر یازده انسان برتر از عیسی ع است؟

۲-۷. بشارت اهل بهشت برای تولد حضرت فاطمه ع

در بخشی از حدیث آمده است که حضرت فاطمه به حورالعين بهشتی لبخند زد: «ضَحِّكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَشَّرَتِ الْحُورُ الْعَيْنُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوَلَادَةِ فَاطِمَةَ ع» (مجلسی، ج ۱۶، ص ۸۱)؛ حورالعين و اهل بهشت یکدیگر را برای تولد حضرت فاطمه ع بشارت گفتند. اینچنین است که خداوند و بهشت به وجود او افتخار می‌کند. «وَ إِفْتَخَرَ جَبَرَئِيلُ بِكَوْنِهِ مِنْهُمْ» (همان، ج ۴۳، ص ۷)؛ جبرئیل از اینکه از آنها (خاندان پیامبر) باشد، افتخار می‌کند.

۲-۸. رشد معجزه‌سان حضرت فاطمه ع

«كَانَتْ ع تَنْبَيِّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنْمِي الصَّبِّيُّ فِي شَهْرٍ وَ فِي شَهْرٍ كَمَا يَنْمِي الصَّبِّيُّ فِي سَنَةٍ» (همان، ج ۱۶، ص ۸۱)؛ حضرت فاطمه ع در هر روز به اندازه‌ای رشد می‌کردند که بچه‌های دیگر در ماه به آن اندازه رشد می‌کنند و هر ماه تا به حدی که بچه‌های دیگر در یک سال.

۲-۹. اذان و اقامه گفتن پیامبر ص در گوش فاطمه ع

از حضرت علی ع روایت شده: هنگامی که فاطمه ع متولد شد، پیامبر وارد شد و در گوش راست حضرت فاطمه ع اذان و در گوش چپ او اقامه گفت، و پیامبر ص با هر کس مانند این انجام داد از شیطان در امان ماند. (همان، ج ۴۳، ص ۷) (۲۵۵)

و این تازه آغازی بود برای رازهای پیچیده حضرت فاطمه علیها السلام و ما فقط می‌توانیم بگوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَأُمِّهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَالسَّرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا بَعَدِ ما أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»، و از او بخواهیم: يا فاطمة إشفعنا لانا في الجنة.
لا تَقْسِ فَضْلَهُمْ لِلْأَنْبِيَاءِ أَجَلٌ فَإِنَّ سَلَمًا نَهُمْ بَعْدَ تَصْغِيرِ سَلِيمَانَ (مستبط، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۸۲): فضل و برتری آنها را با انبیا قیاس نکن؛ همانا سلمان آنها را اگر (با لفظ) کوچک کنی، سلیمان می‌شود.

نتیجه

حضرت زهرا علیها السلام انسان کاملی است که پدر، مادر و همسرش انسان‌های کامل و برگزیده الهی بودند. سرّ الهی در او به ودیعه نهاده شد و تشکیل نطفه وجود و دوران جنینی ویژه داشت و برای میلادش زنان خاص حضور داشتند و نسل رسول خدا علیه السلام از آن حضرت است. ثمره درخت طوبی در شکل‌گیری وجود مبارکش نقش داشت و بنابراین، او خود برگزیده حق تعالی بود. اگر خداوند درباره حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكُ وَ طَهَّرَكُ»، درباره حضرت زهرا علیها السلام نیز چنین است.

منابع

• قرآن کریم

۱. آملی، سید حیدر؛ **تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم**: تحقيق سید محسن موسوی تبریزی؛ ج ۳، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن شهرآشوب؛ **المناقب**; قم: مؤسسه العلامه للنشر، ۱۳۷۹ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی؛ **كشف الغمة فی معرفة الأئمہ**؛ تبریز: مکتبة بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۴. استرآبادی، سید شرف الدین؛ **تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العترة الطاهرة**; قم: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجامعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، ۱۴۰۹ق.
۵. بحرانی، سید هاشم؛ **البرهان فی تفسیر القرآن**; تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۶. جزائی، سید نعمت الله؛ **قصص الأنبياء والمرسلين**; قم: مکتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۷. حر عاملی؛ **وسائل الشیعه**; قم: مؤسسه آل الیت لإحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۸. حقی بروسوی، اسماعیل؛ **تفسیر روح البیان**; بیروت: دار الفکر، [بی تا].
۹. حلّی، علی بن یوسف بن مطهر؛ **العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة**; قم: مکتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. حمیری، اسماعیل بن محمد؛ **دیوان السید الحمیری**; بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۲۰ق.
۱۱. خلیل، جُر؛ **لاروس**; ج ۸، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶ش.
۱۲. راوندی، قطب الدین؛ **الخرائج و الجرائم**; قم: مؤسسه الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۹ق.
۱۳. شاذان بن جبرئیل؛ **الفضائل**; ج ۲، قم: دار الرضی للنشر، ۱۳۶۳ش.
۱۴. شریف کاشانی، حبیب الله؛ **تفسیر ست سور**; تهران: شمس الضھی، ۱۳۸۳ش.
۱۵. شعرانی، عبدالوهاب؛ **الیوقیت و الجواہر**; مصر: [بی تا]، ۱۳۰۵ق.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه؛ **أمالی**; ج ۴، بیروت: المکتبة الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۱۷. ———؛ **عيون أخبار الرضا**؛ [بی جا]، دار العالم للنشر (جهان)، ۱۳۷۸ق.
۱۸. ———؛ **كمال الدین و تمام النعمة**; ج ۲، قم: دار الكتب الاسلامية، ۱۳۹۵ق.
۱۹. ———؛ **معانی الأخبار**; قم: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجامعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، ۱۴۰۳ق.

٢٠. —————؛ من لا يحضر الفقيه؛ ج ۳، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرسین
في الحوزة العلمية، ۱۴۱۳ق.
٢١. شیخ مفید، العکبری البغدادی، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان؛ الإختصاص؛ قم: المؤتمـر
العالـی لـألفـیـة الشـیـخـیـه المـفـیدـیـه، ۱۴۱۳ق.
٢٢. طبرـی، أـحمدـ بنـ عـلـیـ بنـ اـبـیـ طـالـبـ؛ الـاحـتجـاجـ؛ مشـہـدـ: المرـتضـیـ، ۱۴۰۳ق.
٢٣. طبرـی، فـضـلـ بنـ حـسـنـ (أـمـینـ الـاسـلـامـ)؛ مـجـمـعـ الـبـیـانـ فـیـ تـفـسـیرـ الـقـرـآنـ؛ تـهـرـانـ: نـاـصـرـخـسـرـوـ،
۱۳۷۲شـ.
٢٤. —————؛ إـعـلـامـ الـوـرـیـ بـأـعـلـامـ الـهـدـیـ؛ جـ ۳ـ، قـمـ: دـارـالـكـتـبـ الـإـسـلـامـیـهـ، [بـیـ تـاـ].
٢٥. طـبـرـیـ، عـمـادـ الدـینـ؛ بـشـارـةـ الـمـصـطـفـیـ لـشـیـعـةـ الـمـرـتضـیـ؛ جـ ۲ـ، نـجـفـ: الـمـکـتبـةـ الـحـیدـرـیـةـ، ۱۳۸۳ـ.
٢٦. طـبـرـیـ، مـحـمـدـ بنـ جـرـیرـ؛ دـلـائـلـ الـاـمـامـةـ؛ [بـیـ جـاـ]. دـارـالـذـخـائـرـ لـلـمـطـبـوـعـاتـ، ۱۳۸۲ـ.
٢٧. طـوـسـیـ، أـبـوـ جـعـفرـ؛ أـمـالـیـ؛ قـمـ: دـارـالـثـقـافـةـ، ۱۴۱۴ـقـ.
٢٨. عـاـمـلـیـ كـفـعـمـیـ، إـبـرـاهـیـمـ بـنـ عـلـیـ؛ مـصـبـاحـ الـكـفـعـمـیـ؛ جـ ۲ـ، قـمـ: دـارـالـرـضـیـ (الـزـاهـدـیـ)، ۱۴۰۵ـقـ.
٢٩. عـیـاشـیـ، مـحـمـدـ بنـ مـسـعـودـ؛ كـتـابـ التـفـسـیرـ؛ تـحـقـیـقـ سـیدـهـاـشـمـ رـسـوـلـیـ مـحـلـاتـیـ؛ تـهـرـانـ: چـاـپـخـانـهـ
عـلـیـهـ، ۱۳۸۰ـقـ.
٣٠. فـراتـ کـوـفـیـ، فـراتـ بـنـ اـبـرـاهـیـمـ؛ تـفـسـیرـ فـراتـ الـکـوـفـیـ؛ تـهـرـانـ: مـؤـسـسـةـ الـطـبـعـ وـ النـشـرـ فـیـ وزـارـةـ
الـإـرـشـادـ الـإـسـلـامـیـ، ۱۴۱۰ـقـ.
٣١. قـمـیـ، اـبـنـ شـازـانـ، مـئـهـ مـنـقـبـهـ؛ قـمـ: مـدـرـسـةـ الـإـمامـ الـمـهـدـیـ (عـجـلـ اللـهـ تـعـالـیـ فـرـجـهـ الشـرـیـفـ)، ۱۴۰۷ـقـ.
٣٢. قـمـیـ، عـلـیـ بـنـ اـبـرـاهـیـمـ؛ تـفـسـیرـ قـمـیـ؛ جـ ۴ـ، قـمـ: دـارـالـکـتـبـ، ۱۳۶۷ـشـ.
٣٣. کـلـینـیـ، اـبـوـ جـعـفرـ؛ الـکـافـیـ؛ طـ. الـرـابـعـهـ، طـهرـانـ: دـارـالـکـتـبـ الـإـسـلـامـیـةـ، ۱۳۶۵ـشـ.
٣٤. مجلـسـیـ، محمدـ باـقـرـ؛ بـحـارـ الـأـنـوـارـ؛ جـ ۴ـ، بـیـرـوـتـ: مـؤـسـسـةـ الـوـفـاءـ، ۱۴۰۴ـقـ.
٣٥. مـحـدـثـ نـورـیـ؛ مـسـتـدـرـکـ الـوـسـائـلـ؛ قـمـ: مـؤـسـسـةـ آـلـ الـبـیـتـ لـإـحـیـاءـ الـتـرـاثـ، ۱۴۰۸ـقـ.
٣٦. محمدـ دـینـ حـبـانـ بـنـ اـحـمـدـ اـبـوـ حـاتـمـ؛ صـحـیـحـ اـبـنـ حـبـانـ؛ طـ. الثـانـیـهـ، بـیـرـوـتـ: مـؤـسـسـةـ الرـسـالـهـ، ۱۴۱۴ـقـ.
٣٧. مستـبـطـ، سـیدـاحـمـدـ؛ الـقـطـرـهـ؛ تـرـجمـهـ مـحـمـدـ ظـرـیـفـ؛ جـ ۹ـ، قـمـ: الـماـسـ، ۱۳۸۷ـ.
٣٨. مـصـطـفـوـیـ، حـسـنـ؛ التـحـقـیـقـ فـیـ الـکـلـمـاتـ الـقـرـآنـ الـکـرـیـمـ؛ تـهـرـانـ: نـشـرـیـهـ تـرـجمـهـ، ۱۳۶۰ـشـ.
٣٩. مـوسـوـیـ سـبـزـوارـیـ، سـیدـعـبدـالـاـعـلـیـ؛ مـواـهـبـ الـرـحـمـانـ فـیـ تـفـسـیرـ الـقـرـآنـ؛ طـ. الثـانـیـهـ، بـیـرـوـتـ: مـؤـسـسـةـ
اـهـلـبـیـتـ [عـلـیـهـ السـلـمـ]ـ، ۱۴۰۹ـقـ.
٤٠. نـماـزـیـ، شـیـخـ عـلـیـ؛ مـسـتـدـرـکـ سـفـینـةـ الـبـحـارـ؛ تـحـقـیـقـ شـیـخـ حـسـنـ نـماـزـیـ؛ قـمـ: جـامـعـهـ مـدـرـسـینـ،
۱۴۱۹ـقـ.